

نان‌آوران زن

سرور میرحسینی

گزارش

دکتر حسین فتحی‌زاده مدرس علم اقتصاد در دانشگاه های سیرجان در این باره می‌گوید: «اقتصاد ایران را می‌توان به بخش‌های مختلف اقتصادی شامل صنعت و معدن و نفت و گاز و خدمات تقسیم بندی کرد. و با توجه به ماهیت هر بخش موضع فعالیت زنان و مردان در آن متفاوت است. به گونه ای که در بخش های صنعت و معدن و نفت و گاز و کشاورزی سهم اشتغال مردان به نسبت زنان بالاتر است و در بخش خدمات این نسبت تقریباً برابر می‌شود.» موضوعی که با نگاهی به نیروهای کار معادن و باغ‌های کشاورزی شهر ما می‌توان آن را به نوعی برای سیرجان هم صادق دانست. فتحی‌زاده علت‌های این موضوع که چرا سهم مردان در اشتغال بیشتر است را برمی‌شمرد:

فرهنگ نان آور بودن خانواده

هرچند به علت‌هایی مثل مرگومیر و طلاق تعداد سرپرستان زن بیشتر شده است اما در فرهنگ کشورمان این مردان هستند که مسئولیت مالی خانواده را به دوش می‌کشند و این یکی از دلایل کاهش نرخ زنان به نسبت مردان است.

ازدواج و فرزندآوری

نگهداری از کودکان و نوزادان متولد شده در یک خانواده موجب می‌شود زنان نتوانند همپای مردان در مشاغل حضور یابند و اگرچه همین مساله نیز منجر به کاهش زاد و ولد خانواده‌های جوان ایرانی شده تا زنان بتوانند مشاغل خود را حفظ کنند اما همین خودش یک مشکل مهم جدی دیگر خواهد شد. زیرا منجر به پیری جمعیت و تبعات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آن برای کشور خواهد بود.

تورم

چون بخش خدمات نسبت به سایر بخش‌ها از تورم کمتری برخوردار می‌گردد و تورم بخش خدمات به اندازه تورم سایر بخش‌ها نیست، بنابراین در طی چند سال صرفه اقتصادی مشاغل خدماتی از بین می‌رود و این امر خود سبب افزایش نرخ بی‌کاری می‌شود. چون زنان در بخش خدمات سهم بیشتری به نسبت سایر بخش‌ها دارند، بنابراین با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها دچار بی‌کاری می‌شوند. (در همین باره برای مثال افزایش قیمت مواد اولیه برای گلیم‌بافی باعث جمع شدن دار گلیم بسیاری از زنان قالی‌باف سیرجانی شده است)

بی‌ثباتی اقتصادی

تصنیعات و سیاست‌های اقتصادی و عوامل غیر ارادی بر روی اشتغال اثر می‌گذارد. مثل کرونا که موجب از بین رفتن بسیاری از مشاغل خدماتی در بخش خصوصی گردید. یا قیلت‌رینگ فضای مجازی که به فروشگاه‌های مجازی و شاغلان در این حیطه ضربه زد.

رونق معادن و تأثیرش در سرپا ماندن مشاغل خدماتی در سیرجان

رونق بخش‌های دیگر اقتصادی در سیرجان به نوعی جوهر بخش خدمات را نیز کشیده و آن را سرپا نگه داشته است. فتحی‌زاده نرخ مشارکت اقتصادی زنان در شهرهای مختلف کشور را متفاوت می‌داند و از اثر گذاری مستقیم رونق بخش‌های غیر خدماتی بر اقتصاد و اشتغال بخش خدماتی می‌گوید: با رشد چشمگیر بخش‌های صنعتی و معدنی و کشاورزی، بخش خدمات نیز رونق می‌گیرد و به افزایش نرخ اقتصاد زنان نیز منجر می‌شود.

از تابستان دو سال گذشته تا تابستان سال جاری بیشتر از ۵۰ درصد از زنان بیکار به غیرفعال تبدیل شده‌اند. این جریان می‌تواند بیانگر آن باشد که تعداد قابل توجهی از زنانی که در جست‌وجوی شغل بوده‌اند، از یافتن شغل موردنظر خود ناامید شده و از تلاش برای شاغل شدن دست کشیده‌اند. انتقال ۴۹/۴ درصدی مردان بیکار به وضعیت شاغل در بازه زمانی مذکور، بیان‌کننده وجود شکاف قابل‌توجه شغلی میان مردان و زنان و همچنین فراهم نبودن بستر مناسب برای اشتغال زنان است. براساس یک گزارش، وضع فعالیت غیرفعال مرد و زن از تابستان ۱۴۰۰ به تابستان ۱۴۰۱ دارای بیشترین میزان پایداری در وضع فعالیت است. ولی برای مردان، وضع فعالیت شاغلان با میزان ۹۰ درصد و برای زنان وضع فعالیت غیرفعال با میزان ۹۵/۱ درصد دارای بیشترین ماندگاری در وضع فعالیت است. کمترین ثبات در وضع فعالیت نیز مربوط به بیکاران با مقدار ۳۴ درصد است. این میزان برای مردان ۳۲/۳ درصد و برای زنان ۳۷ درصد است. شرایط شغلی زنان در ایران همواره تحت‌تأثیر سیاست‌ها و جریان‌های مختلف چه در سطح کلان جامعه زمانی که توسط سیاستمداران به تصویب رسیده و چه در سطح خرد مثل دستور شوهر، پدر و ... برای سر کار رفتن و خانه‌نشینی دچار نوسانات و بی‌ثباتی در بازار کار بوده است. روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی تازه از این بی‌ثباتی نوشته و مقایسه‌ای انجام داده از وضعیت اشتغال شاغلین مرد و زن در پاییز ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱.

تنها ۶۲ از زنانی که در پاییز سال ۱۴۰۰ شاغل بوده توانسته‌اند شغل خود را در پاییز ۱۴۰۱ همچنان حفظ کند. مابقی یا بیکار شده و یا از جمعیت فعال اقتصادی خارج شده‌اند. براساس آخرین آمار منتشر شده از وضعیت بازار کار؛ کل جمعیت حاضر در سن کار (۱۵ ساله و بیشتر) در پاییز سال گذشته ۶۳ میلیون و ۸۸۶ هزار نفر برآورد شده که از این تعداد ۲۶ میلیون و ۲۰۷ هزار نفر تمایل به کار کردن دارند. بر همین اساس نرخ مشارکت اقتصادی در اقتصاد ایران ۴۱ درصد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از ۲ میلیون و ۱۲۶ هزار نفر از جمعیت فعال اقتصادی کشور نتوانسته‌اند برای خود شغلی دست و پا کنند. به عبارت دیگر از هر صد نفری که در تمایل به کار کردن داشته، حدود ۸ نفر نتوانسته شغل پیدا کند، در نتیجه نرخ بیکاری در پاییز سال گذشته ۸۰٫۲ درصد بوده است.

سیرجان کجا ایستاده؟

چه عواملی باعث شده که وضعیت شغلی زنان در اقتصاد ایران بی‌ثبات باشد؟ آیا قبل از فیلتر شدن فضای اجتماعی وضعیت اشتغال زنان بی‌ثبات و ناپایدار بود؟ بی‌ثباتی شغلی به چه معناست؟ و چقدر می‌تواند به ضرر و زیان توسعه اقتصادی یک کشور منجر شود؟ افزایش تورم بازار کار را برای زنان به چه سمت و سویی خواهد برد؟ سیرجان در کجای این نمودار است و وضعیت زنان سیرجانی چگونه است؟ شهری که زنان در مشاغل زیادی مثل پسته‌چینی، گلیم و قالی‌بافی، دوزندگی به طور سنتی فعال بوده و در مشاغل جدیدتر نیز حضور دارند.